

## روشنفکران و گذار به جامعه دموکراتیک :: نصور نقی پور



وضعیت « گذار » محصول منطقی مفهومی به نام « مدرنیته » است و دورنمای تئوریک مفاهیم مدرن باعث می شود که فضای ما قبل آن یا وضعیت انتقال به آن ایجاد شود. به همین سبب مفهوم دوره ی گذار خیلی پیش تر از آنکه خود بنیاد و خود تعریف باشد، دارای معانی چند سویه ایست که خود را در تقابل با مفاهیم دیگر همچون سنت، نقد سنت، گزاره های مدرنیته و خود مدرنیته تعریف می کند. به همین سبب نیاز داریم تا مبدا و مقصد ایجاد کننده ی این وضعیت را درک کنیم تا بتوانیم میان فضای دوران گذار و ابزار رهنمونی آن به جامعه ی دموکراتیک نسبتی مفید برقرار کنیم.

در جوامع سنتی مفهوم دولت با وضع طبیعی برابر است و رابطه ی حاکمیت بر مردم بر مبنای اصولی از خشونت و ترس بنا نهاده می شود. حاکمیت دارای یک مالکیت عام بر تمامی شهروندان است و این مالکیت همه ی شئون زندگی از جمله حقوق اقتصادی و اجتماعی را شامل می شود. در جوامع سنتی جایی برای ابراز نیاز انسان ها و جولان آن ها برای سودجویی شخصی وجود ندارد و همگی تحت سیطره ی یک قدرت مرکزی هدایت می شوند.

به یقین تصور ما از این تعریف ابتدایی از جوامع سنتی، گنگ خواهد بود؛ چرا که نمی توانیم چنین مدل سیاسی بسته و دگمی را برای یک مردم فرض کنیم، ولی اگر کمی این روابط ساده ی قدرت با مردم را در ذهن خویش گسترش دهیم، خواهیم دید که تا چندی پیش کشورهای زیادی بودند که از چنین مدلی استفاده می کردند؛ اما پرسش اصلی و درونی ما این است که چه عامل

روانی باعث می شود که همه ی شهروندان بی هیچ چون و چرایی بر چنین رابطه ای راضی و خشنود باشند؟

برای یافتن پاسخ این پرسش تنها یک گزینه پیش رو داریم و آن هم مذهب است. حاکمیت به عنوان نماینده ی خدا بر روی زمین و یا مدلی از «اولوهیت» این ذهنیت را ایجاد می کرد که واکنش شهروندان به حاکمیت باید از نقطه ی ضعف و فرمانبرداری باشد.

با شروع انقلاب صنعتی و گسترش علوم، ما شاهد کم رنگ شدن باورهای سنتی در سطح جهانی هستیم و یک خیزش جمعی برای تبیین جایگاه انسان در زمین شکل می گیرد. این جرقه ی ساده اما اساسی بود که انسان به ناگاه از جامعه ی سنتی خود کنده شود. همین جدا شدن شخصی و خواست رسیدن به یک جایگاه متفاوت، یک نوع گذار محسوب می شود.

این گذار در اشل بزرگ تر که جامعه محسوب می شود، وضعیتی زایشی را ایجاد می کند که قرار است مدل سیاسی جدیدی را بیافریند. مدلی که بر مبنای انسان و نیازهای او طراحی شده است و قرار است یک قرارداد اجتماعی را وضع کند که همه ی شهروندان در مورد آن به اتفاق نظر رسیده اند.

دوران گذار، تونلی است که انسان بی اراده و تحت یک حاکمیت خودکامه را به فاعل سیاسی آزادی تبدیل می کند که می تواند در زندگی اجتماعی و سیاسی خود تاثیر گذار باشد. مالکیت شخصی، حق رای، آزادی های سیاسی و حوزه ی زیست شخصی از جمله موهبت های پس از دوران گذار است که هر انسان از آن بهره مند می شود. حاکمیت که روزی او را به بند می کشید تا رضایت خدایان را بر آورده کند، اکنون به دولتی شناور و دموکراتیک تبدیل شده است که قرار است تنها به نفع و خواسته ی او و هموعان او توجه داشته باشد.

اما آسیب های دوران گذار و نقش روشنفکران بومی که تبیین کننده ی اهداف جامعه ی در حال گذار هستند، چه خواهد بود؟

یک واقعیت تاریخی می گوید که همیشه وضع موجود در برابر نوآوری ها از خود مقاومت نشان می دهد. این اولین چالش جامعه ی در حال گذار است. روشنفکران بومی در این وضعیت وظیفه دارند که با شناختی که از روحیه ی شهروندان و نوع مقاومت حاکمیت دارند، تاکتیکی را برای مردم مدل سازی کنند که از کمترین برخورد هزینه دار بهره مند باشد و تاجایی که ممکن است از تنش بوجود آمده برای افزایش روحیه ی نقدپذیری مردم و حاکمیت استفاده کنند. از آنجایی که یکی از ویژگی های دوران گذار «وضعیت همیشه در بحران» آن است؛ صبر و خویشتنداری شهروندان و حاکمیت باعث می شود که بحران ها با ضریب خطای کمتری پشت سر گذاشته شوند.

دومین چالش دوران گذار، خطر برگشت به عقب است. تازگی و خام بودن هدف ها و شعارهای جامعه ی در حال گذار باعث می شود که مقاومت کمتری در برابر اندیشه ی سنتی نظام حاکم و حتی شهروندان داشته باشد. در اینجا نقش روشنفکران به عنوان تئوریسین های جنبش های آرام اجتماعی مشخص می شود و آنها باید بتوانند با بهره گیری از بهترین ابزار خبررسانی و رسانه ای روز، تحلیل های خود در دفاع از آرمان های جنبش های نوپای اجتماعی را به گوش مردم برسانند. آنها باید بتوانند هر لحظه برای برون رفت از چالش های پیش روی جنبش، راهکاری ارائه دهند. راهکارهای آنها باید به نوعی باشد که یا جنبش را به پیش برد یا لااقل بتواند جایگاهش را در همان نقطه مستحکم سازد.

سومین چالش دوران گذار، گرتة برداری جنبش از مدل های پیشین برای بقای خود است. تجربه ی تاریخی مبارزات سیاسی نشان داده است که مبارزان در راه هدف های مختلف نسبت به دشمن، راه های خود دشمن را پیش می گیرند و پس از مدتی شبیه به مخالف خود می شوند.

این یکی از بزرگترین آفت های سیاسی تازه تعریف شده است و روشنفکران در اینجا می توانند نقش پررنگ خود را به عنوان رهبر جنبش نوین اجتماعی نشان دهند. راهکارهای آنها برای بقاء

جنبش باید دارای یک بنیه ی اخلاقی محکم باشد تا حرمت انسان ها در هر موقعیتی حتی مخالف، حفظ شود.

با اطمینان می توان گفت: که حتی در جا زدن های مدام جنبش خیلی بیشتر ارزش اخلاقی دارد تا بکار بستن شیوه های غیر انسانی نیروی مخالف روبرو برای بقای خود. این ارزشگذاری صرفاً اخلاقی است و کرامت انسان در آن حرف اول و آخر را می زند. چه اینکه هدف تعالی نوع انسان است و ما جامعه ی دموکراتیک را برای حفظ ارزش های انسانی شهروندان می خواهیم.

روشنفکران بومی جوامع در حال گذار باید ارزش های جهان شمول و انسان محور اخلاقی را باور داشته باشند تا بتوانند سلامت جنبش و حتی درصد خونریزی آن را کنترل کنند.

چهارمین چالش دوران گذار که خود روشنفکران در آن نقش دارند، اسطوره سازی از شالکه های جنبش های اجتماعی است.

شهروندان، قهرمانان خود را دوست دارند و می خواهند در یک جای کار همه ی امور را بدست آنان بسپارند و خود به زندگی عادی شان پردازند. آنها هنوز خود را به لحاظ سیاسی بالغ نمی دانند و دائماً بدنبال سایه ی کاریزمای انسانی می گردند که در آن خود را پنهان کنند. این وضعیت باعث می شود که نقد از جنبش به هیچ تقلیل پیدا کند و همه ی خواست جمعی برای هدف های یک جامعه چند وجهی تنها درخواست یک قهرمان تجلی یابد. در این وضعیت یک معادله ی ساده عمق فاجعه را معلوم می کند: سقوط قهرمان برابر است با سقوط جنبش.

پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۸۶

سایت نصور؛ آرشیو مقاله های فارسی

[Nasour.net](http://Nasour.net)

ایمیل:

[Info@Nasour.net](mailto:Info@Nasour.net)

[Nasour@Live.com](mailto:Nasour@Live.com)